

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۰۴ اکتوبر ۲۰۲۳

کمپین فاشیستی و نژادپرستانه علیه پناهجویان افغانستان را شدیداً محکوم کنیم

یک بار دیگر کمپین شنیع و تهوع آور افغانستان ستیزی جمهوری اسلامی و فاشیست های حاکم بر آن بالا گرفته و در تلاشند تا آن را به فرهنگ رایج در جامعه مبدل کنند و به ایجاد اختلاف و نزاع در میان توده های مردم و طبقه کارگر و سایر زحمتکشان دامن بزنند. آنچه که مسأله را در این روزها حساس تر می کند برخی از شهروندان در راستای این سیاست شونیستی جمهوری اسلامی و فاشیست های دست راستی و نژاد پرست قرار گرفته و بروشنی با صف دشمنان جامعه سمت گیری کرده و شرایط را برای جمهوری اسلامی مهیا کرده تا بر طبل سیاست های ارتجاعی و ضدانسانی خود بکوبد.

از زمان به قدرت رساندن طالبان توسط امپریالیست های غربی که مورد حمایت جمهوری اسلامی بوده و جزو معدود کشورهایی است که سفارت افغانستان را رسماً به طالبان اعطا نموده، میلیون ها افغان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند و به اجبار به کشورهای همسایه پناه برده اند. در حالی که اکثریت مردم ایران هم سرنوشتی و هم دردی خود را با این پناهجویان ابراز کرده اند شهروندانی که با ایده های طبقات مرتجع حاکم و ایده های نژاد پرستانه آغشته شده اند به تحقیر و توهین پناهجویان پرداخته اند.

اخراج اجباری و یا ترک ۴۶ هزار و ۸۰۰ پناهجوی افغان تنها در ماه گذشته به همراه اظهارات شونیستی مسؤولان جمهوری اسلامی، نمایندگان بله قربان گوی مجلس خامنه ای، مقالات رسانه های مرتجع وابسته به جناح های مختلف حکومتی از روزنامه کیهان گرفته تا همشهری و شرق همه با هم، هم صدا نشان از پیشبرد آگاهانه این کمپین شونیستی و افغانستان ستیزانه دارد تا به صورت وقیحانه و دروغینی پناهجویان افغانستان را باز هم عامل معضلات اجتماعی و اقتصادی معرفی کنند.

اما تبلیغات به اینجا ختم نشده است ارسال پست هایی که در شبکه های اجتماعی به تحقیر، توهین، ضدیت با پناهجویان افغانستان و حتی ضرب و شتم آنها می پردازند توسط سایبری های جمهوری اسلامی و سلطنت طلب ها، به صورت وسیع نشر و پخش می گردد که بیشرمانه توسط برخی شبکه ها و کانالهای خبری و همچنین افراد ناآگاه نیز به اشتراک گذارده می شود و مایه دلگرمی و خوشحالی بیشتر مرتجعین جمهوری اسلامی می شوند.

همراهی و همگامی با این کمپین شونیستی نه تنها در تضاد آشکار با منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و کل توده های مردم قرار دارد بلکه برای همه مردم آزاده که برای رهایی بشریت از هر نوع ستم و استثمار مبارزه می کنند غیر قابل تحمل و غیر قابل قبول است.

نسل های مختلف پناهجویان افغانستان در طول ده ها سال اقامت در ایران از بیشترین بی حقوقی، تبعیض و تحقیر رنج برده اند. ذکر تنها چند مورد از خشونت ها و تبعیضات فاشیستی جمهوری اسلامی علیه پناهجویان و مهاجران افغانستان ظلم و ستم علیه این مردم ستمدیده را روشنتر می سازد.

۱- ده ها سال است که برخورد غیر انسانی توهین و تحقیر آمیز همراه با ضرب و شتم از طرف نیروهای انتظامی و مرزی جمهوری اسلامی وجود دارد. اما این روزها نه تنها پناهجویان بدون برگه اقامت بلکه حتی آنانی که کارت اقامت دارند از ترس بازداشت و اخراج و ضرب و شتم از خانه بیرون نمی آیند و یا حتی برای تمدید کارت هایشان مراجعه نمی کنند.

۲- حتی دانشجویان و یا افرادی که اسناد قانونی جمهوری اسلامی را دارند نمی توانند کارت بانکی داشته باشند. و یا آنقدر سختگیری می شود که مهاجرانی که امکان گرفتن کارت بانکی را دارند از داشتن آن منصرف می شوند و در نتیجه در بسیاری موارد از خرید پایه ئی ترین احتیاجات زندگی حتی در مواردی مانند خرید نان محرومند و وابسته به انسان هائی هستند که داوطلبانه و یا به تقاضا به آنها کمک می کنند. در بسیاری موارد کارفرمایان فرصت طلب از این مسأله سوء استفاده می کند و دستمزد را به پول نقد نمی دهند در نتیجه به خاطر مشکلات خدمات بانکی مهاجران مجبور اند از دستمزد خود صرف نظر کنند.

۳- پرداخت نکردن و یا کم دادن حقوق و یا دستمزد کارگران مهاجر توسط کارفرمایان سود جو بسیار رایج است و بهانه ای هم لازم ندارند. اگر در این مورد اصرار شود به پولیس اطلاع می دهند تا رد مرز شوند. کارگران مهاجر هم مجبور به سکوت می شوند گاهی مواقع به همین شیوه از پرداخت دو سه ماه دستمزد خود محروم می شوند.

۴- به خاطر امتناع مدارس از ثبت نام، بسیاری از فرزندان مهاجران از آموزش بازمانده اند.

۵- پناهجویان افغانستان حق گشت و گذار آزاد در ایران را ندارند. حتی افغان هائی که دارای کارت اقامت می باشند از ورود به پانزده استان کشور محروم اند و در بقیه استانهای هم که اجازه ورود دارند با محدودیت ها و رفت و آمدهای دردرساز و وقت گیر اداری روبه رویند.

۶- پناهجویان افغانستان در ایران تنها در چهار گروه کاری می توانند اشتغال یابند که در مجموع از هفت یا هشت نوع شغل پر مشقت و طاقت فرسا مثل کارگر ساختمانی، کار در کوره پز خانه ها و چاه کنی و امثالهم فراتر نمی رود.

۷- اشتغال این کارگران در بسیاری از کارخانه های بزرگ صنعتی، پتروشیمی، ذوب آهن، فولاد، حمل و نقل ممنوع است. کارگران مهاجر حق اشتغال در سازمانهای دولتی و غیر دولتی را ندارند.

۸- کارگران مهاجر افغانستان شامل قانون کار و بیمه درمان و اجتماعی نمی شوند و حداقل دستمزد برای آنها وجود ندارد.

۹- بخش بزرگی از کودکان کار در ایران را کودکان افغانستان تشکیل می دهند که مسؤولیت کل و یا بخشی از درآمد خانواده را بر عهده دارند. این کودکان کار در کارهای سخت از جمله قالی بافی، زباله گردی که در پشت آن باندهای مافیائی استثمارگر قرار دارند به کارهای طاقت فرسا مشغول هستند.

۱۰- به فرزندان مهاجران افغانستان که در ایران متولد شده اند، تابعیت ایرانی داده نمی شود و مهاجر محسوب می شوند. بسیاری از کودکانی که از مادر ایرانی متولد شده همچنان بدون شناسنامه اند.

لیست بسیار بالا بلندی از قوانین مکتوب و غیر مکتوب تبعیض آمیز علیه مهاجران افغانستان وجود دارد که مجال پرداختن به آنها در این نوشته نیست.

با این همه ستم و ظلمی که بر مهاجرین روا داشته می شود، برای حاکمین در قدرت و متحدین شونیست و فاشیست شان بسیار آسان است که عامل مصائب و سختی های جامعه مانند بیکاری، وضع بد اقتصادی، افزایش قیمت نان، افزایش هزینه زندگی، کمبود خانه برای مسکن، دو شیفت شدن مدارس، بالارفتن جرم و جنایت و... را به گردن پناهجویان افغانستان بیندازند، و بستری برای تحقیر و تبعیض و ضرب و شتم این پناهجویان ایجاد کنند.

اما حقیقت این است که مهاجران افغان نقش بسیار مهم و حتی تعیین کننده ای را در ساختار اقتصاد جامعه تشکیل می دهند. نه تنها از نظر کمیت بلکه همچنین از نظر کیفی و شیوه و شدت استثمار و تأثیرات متقابل آن. به همین دلیل است که مهاجران افغانستان جزء تحتانی ترین و ستمدیده ترین اقشار جامعه و بخش عمده آنها بخش جدا نشدنی از طبقه کارگر ایران می باشند. بخشی که تنها می تواند در کارهائی اشتغال یابد که به خاطر سختی و مشقت آن و پر مخاطره بودنش داوطلبان کمی دارد و خلأ آن، باید با دستمزدهای پائین و توسط کارگران مهاجر افغانستان پر شود. در این میان زنان مهاجر افغانستان در موقعیت بسیار وحشتناک تری به سر می برند. این زنان مثل همه زنان در ایران تحت ستم و فرودستی قرار دارند، اما علاوه بر آن به خاطر افغان بودن شان تحت فشار و توهین و تحقیر نیز قرار دارند. اگر شانس برای دست یابی به کاری داشته باشند هم به خاطر زن بودن و هم افغان بودن مورد فوق استثمار قرار می گیرند.

تبلیغات حکومتی و طبقات حاکمه تلاش دارند نه تنها از اهمیت و نقش مهاجران در ساختار اقتصاد جامعه بکاهند بلکه آن را عامل اشغال فرصت های شغلی و یک بار اضافی و تحمیلی تصویر کنند و به خصومت میان مردم و طبقه کارگر دامن زنند. اما عامل اساسی بیکاری در ایران نه پناهجویان افغانستان بلکه سیستم طبقاتی حاکم و وابستگی اش به امپریالیسم جهانی است که با شکل و مدل انگلی اش و اعتیادش به پول نفت و سرمایه امپریالیستی و سازماندهی بر مبنای سود همراه با فساد و دزدی در ابعاد وسیع باعث بیکاری صدها هزار کارگر شده است. سالهاست که روند بسته شدن کارخانه های بزرگ و کوچک ادامه دارد و دهها هزار کارگر در صنایع مختلف از کار اخراج می شوند. اگر تنها بخواهیم بر جنبه اقتصادی مسأله تمرکز کنیم و فشارهای اجتماعی و ضد انسانی را در نظر نگیریم استثمار کارگران مهاجر افغانستان را می توان فوق استثمار تشدید یافته نامید و در حقیقت بسیار بیشتر از دستمزد ناچیزشان اگر هم پرداخت شود، ثروت برای جامعه تولید می کنند.

بنابراین ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی برای افغان ها نه بهشت برین بلکه جهنمی سوزان است که در بدترین شرایط مورد استثمار قرار می گیرند. اما مشکل این جاست که جمهوری اسلامی به همراه قدرت های منطقه ای و قدرت های جهانی در به خاک و خون کشاندن افغانستان و به قدرت رساندن بنیادگرایان اسلامی نقش داشته است و جامعه و مردم آن را با انواع آسیب های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بالاخره فرهنگی مواجه کرده است. همین نقش جمهوری اسلامی در افغانستان است که هم سرنوشتی مردم ایران و افغانستان را رقم می زند.

کلام آخر خطاب به آن بخش از جامعه که آگاهانه و یا نا آگاهانه به دام تبلیغات مرتجعانه جمهوری اسلامی و فاشیست های متحد آن، افتاده اند و آنانی که دانسته و یا ندانسته کمپین فاشیستی ضدیت با پناهجویان افغانستان را به پیش می برند و صحنه های دردناک و در عین حال هولناک و غیر قابل تحملی را از ضرب و شتم، توهین، تحقیر پناهجویان افغانستان را می آفرینند که مایه شرمساری و خجالت هر انسان آزاده است. آنانی که در شبکه های اجتماعی به نشر و یا باز نشر و حمایت از این صحنه ها به این کمپین ارتجاعی پیوسته اند و به آن می دمنند با طالبان و داعش و جمهوری اسلامی و فاشیست های هیتلری چه تفاوتی دارند، که این ایده های مسموم را به عمل در می آورند و به ایجاد خصومت و دشمنی و تضاد میان زحمتکشان جامعه دامن می زنند و ایده های نژادپرستانه و فاشیستی را گسترش می دهند. آنان اگر وابستگان به این حکومت های واپسگرا و ضد مردمی نباشند، کمترین کاری که انجام می دهند، ضربه به خیزش انقلابی

مردم و حمایت از جمهوری اسلامی و حکومت طالبان و کمک به ادامه حکومت ننگین آنان است و خواسته یا ناخواسته در صف دشمنان مردم ایران و افغانستان قرار دارند.

همان گونه که مرتجعین نژاد پرست جمهوری اسلامی و سلطنت طلب ها و بخشی از مردم عقب مانده در ستم و استعمار، در توهین و تحقیر افغان های ساکن ایران با هم متحدند، ستمدیدگان افغانستان نیز با اکثریت مردم علیه مرتجعین متحد هستند. این اتحاد ستمدیدگان است که در خیزش ژینا بازتاب می یابد و ستاره تاجیک ۱۷ ساله هم چون نیکا شاکرمی، محمد رضا سروری ۱۴ ساله و... جان شان را در راه آزادی و رهائی می دهند.

برای مقابله با این کمپین شنیع و تهوع آور جمهوری اسلامی و متحدین فاشیست و نژادپرستش محکوم کردن حرکات ضد انسانی و همبستگی و دفاع روشن از پناهیجویان افغانستان در ایران یک ضرورت انقلابی است. ضرورتی که بر مبنای آن می توان بستر مناسبی برای مبارزه متحد همه زحمتکشان ایجاد نمود. باید بر این مسأله آگاه باشیم رهائی و آزادی مردم ایران و افغانستان به هم مربوط و به هم پیوسته است.

ننگ و نفرت بر نژاد پرستان

زنده باد انقلاب پرولتری

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۱۰ مهر - میزان - ۱۴۰۲